



### پیشروی در اوکراین

رئیس جمهور روسیه ضمن استقبال از میانجیگری رهبران بریکس برای حل و فصل مسئله اوکراین تصریح کرد که ارتش روسیه در حال پیشروی در میدان نبرد اوکراین است. دیمیتری پسکوف، سخنگوی کرملین در حاشیه نشست بریکس به خبرنگاران گفت: «بسیاری کشورها برای مشارکت فعال تر» به منظور حل و فصل مسئله جنگ اوکراین ابراز تمایل کرده‌اند و پوتین از پیشنهاد میانجی‌گری رهبران بریکس در جنگ اوکراین استقبال می‌کند. طبق گفته سخنگوی کرملین، رئیس جمهور روسیه به رهبران گروه بریکس در نشست کاران روسیه اعلام کرده است که ارتش روسیه در حال پیشروی در میدان نبرد است. اظهارات پوتین در شرایطی مطرح شده است که وزارت دفاع روسیه نیز دیروز اعلام کرد، نیروهای نظامی این کشور در ادامه پیشروی‌های خود، دو روستای دیگر در جمهوری خلق دونتسک را آزاد کردند. پسکوف همچنین تصریح کرد که پوتین در مذاکرات خصوصی با رهبران بریکس نیز بر «پویایی بسیار مثبت نیروهای مسلح روسیه در خط مقدم تاکید کرده است».



### بلینکن به عربستان رسید

روز گذشته آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا در چارچوب سفر منطقه‌ای خود وارد ریاض شد و با همتای عربستانی خود و ولیعهد سعودی درباره تحولات غزه و لبنان و روابط دو کشور گفت‌وگو کرد. در این دیدار دو طرف درباره روابط دوجانبه و زمینه‌های همکاری مشترک و نیز آخرین تحولات مهم منطقه و جهان و در رأس آنها تحولات غزه و لبنان و تلاش‌های انجام‌شده برای توقف عملیات‌های نظامی و مقابله با پیامدهای امنیتی و انسانی آن گفت‌وگو کردند. در این دیدار مساعد بن محمد العیاب، عضو شورای وزیران و مشاور امنیت ملی عربستان و خالد بن علی تاحمیدان، رئیس دستگاه اطلاعات کل این کشور و از طرف آمریکا مایکل رانتی، سفیر این کشور در ریاض و هیئت همراه بلینکن حضور داشتند. فیصل بن فرحان، وزیر خارجه عربستان نیز در ریاض میزبان آنتونی بلینکن، همتای آمریکایی خود بود.



### تomasz Siemoniak به‌منابه کمک خارجی

دونالد ترامپ، طرح شکایت علیه حزب حاکم انگلیس و کارزار انتخاباتی کامالا هریس و تیم‌والز معاون هریس را آغاز و این حزب را به دخالت در انتخابات آمریکا به دنبال سفر مقامات حزب کارگر به آمریکا به منظور ارائه مشاوره به نامزد دموکرات‌ها متهم کرد. ترامپ در شکایت خود به تسلیم شدن نیروهای انگلیسی در مقابل آمریکا در «نبرد یورک تاون» در سال ۱۷۸۱ اشاره کرد و نوشت: «به نظر می‌رسد که حزب کارگر و کمپین هریس پیام این نبرد را فراموش کرده‌اند.» نامزد جمهوری خواهان تماس بین مقامات حزب کارگر و کارزار هریس به مثابه «کمک خارجی غیرقانونی» دانست و خواستار تحقیقات فوری در این زمینه شد. در شکایت ترامپ که توسط وکیل او گری لاکوفسکی ارائه شده، گزارش وال استریت ژورنال ضمیمه شده است. در این گزارش آمده که کارشناسان علوم راهبردی حزب کارگر انگلیس به هریس توصیه می‌کنند که چگونه‌ای دهندگان ناراضی را بازگرداند و یک کارزار برنده را اجرا کند.

که به تشکیلات خودگردان می‌رسد، وعده‌هایی که عناصر اساسی توافقنامه‌هایی برای رهبران فلسطینی بود، پس از آنکه تشکیلات خودگردان خود را در شهرهای بزرگ و بیشتر شهرهای کوچک در کرانه باختری و غزه تثبیت کردند با آگاهی آمریکا از سوی اسرائیل کنار گذاشته شدند. در عوض، ساکنان سرزمین‌های فلسطینی با ساختارهای اقتدارگرایانه، ناکارآمد و گاهی نامتعارف خودمختاری در شهرهای بزرگ و کوچک مواجه شدند.

بانفوذترین منتقدان فلسطینی از پیمان اسلو افرادی بودند که می‌گفتند توافقنامه‌ها باعث ایجاد کشور فلسطینی وعده‌داده شده، نمی‌شود و به‌نظر می‌رسد رهبران اسرائیلی و حامیان بین‌المللی روند صلح، که به‌وضوح نگاه متفاوتی به مسائل داشتند، حرف آنها را تایید کردند. در اوایل سال‌های ۲۰۰۰ برخی از ابتدا از روی ترس بعد با صراحت بیشتر و در نهایت از روی تنوع، درباره راه‌حل دوکشوری صحبت کردند. منظور آنها البته کشوری به‌معنای واقعی آن نبود: دقیق‌ترین و کامل‌ترین گزارش‌ها از مذاکرات به‌وضوح نشان دادند که منظور رهبران اسرائیل از کشور فلسطین نه به معنای کنترل امنیت خارجی و نه حق حاکمیت کامل بر اراضی، هوای بالای آن و همچنین مرزهای آن است. مذاکره‌کنندگان به این موضوع اشاره نکردند که نام آن «تحت‌الحماگی» است نه «کشور».

اما حتی برای آنهایی که معتقد بودند بالاخره میزانی توافق امکان‌پذیر است، از دیدگاه داخلی فلسطینیان هیچ کدام از این بحث‌ها مورد توجه قرار نگرفت. رهبران به‌شدت منزوی بودند، مذاکرات بسیار محرمانه بود و روند شهرک‌سازی‌ها و احداث زیرساخت‌ها، نادیده گرفتن توافق‌های گذشته و مشاجرات دو طرف برای متهم کردن یکدیگر شدت گرفت که از سال ۲۰۰۰، گفت‌مان عمومی در میان فلسطینیان را به‌طور فزاینده‌ای خلاف مطلوب بودن راه‌حل دوکشوری به‌سمت عدم امکان‌پذیری برد. چگونگی و جزئیات مذاکرات محرمانه... محرمانه بودند. اما آنچه کمتر محرمانه بود، گسترش شهرک‌سازی‌ها و تبدیل بخش‌های اقتصادی و مالی پیمان اسلو به سویایی تبدیل شدند که اسرائیل می‌تواند فعالیت‌های مالی و اقتصادی تشکیلات خودگردان را در کرانه باختری یکجانبه مدیریت کند.

در داخل، جنبشی برای تقویت ساختارهای حکومتی و فعالیت‌های تشکیلات خودگردان در سال‌های ۱۹۹۰ شکل گرفت و حمایت بین‌المللی قوی را در اوایل سال‌های ۲۰۰۰ دریافت کرد که به اصلاحات اساسی قانون اساسی و مالی منجر شد.

با این حال، این اقدامات در نهایت هواداران داخلی و حامیان بین‌المللی را ناامید کرد که توجه‌شان خیلی زود به جاهای دیگری متمرکز شد. با گذشت زمان، فلسطینی‌ها علیه مهم‌ترین اصلاحات به‌پا خاستند، به‌ویژه در سال ۲۰۰۶، زمانی که احیای رویه‌های دموکراتیک منجر به تشکیل اکثریت حماس در پارلمان شد.

اگر امیدها برای راه‌حل دوکشوری از بین رفت، چه چیزی جانشین آن شد؟ هیچی. و این سیر، که به‌راحتی روی زمین قابل‌شناسایی بود، دو دهه است که عمدتاً از سوی خارجی‌ها نادیده گرفته شده است.

البته در میان روشنفکران صحبت‌هایی درمورد مطلوبیت دوکشوری در مقابل یک دولت واحد (چه دومیته، چه فدرال یا کنفدرال) همراه با بسیاری از ایده‌های خلاقانه درباره پنهان کردن، ترکیب کرد یا غلبه بر اشکال مختلف دولت و حاکمیت، وجود داشت. تمام این ایده‌ها یا انتزاعی و نظری بودند که در هیچ پروژه، رهبری، جنبش، بازیگر یا روند سیاسی بکار گرفته نمی‌شدند. مهم‌تر از آن، هیچ‌کدام از این ایده‌ها در جامعه بزرگتر فلسطین، طنین‌انداز نشدند. گفت‌مان روشنفکران و جامعه فلسطینی به‌سمت ایده‌های کلی‌تر مبنی بر «پایان اشغالگری»، نیاز به «مقاومت مردمی» یا نیاز به یک استراتژی ملی (به‌طور کلی نامشخص) تغییر پیدا کرد. سرنوشت‌هایی اسرائیل و فلسطین همچنان می‌بهد فراتر از هر گونه افقی باقی مانده است.

اما حتی این ایده‌ها نیز قدرت خود را از دست داده‌اند. روند کلی واضحی در کرانه باختری و غزه وجود دارد که زندگی امروز را بسیار دشوار کرده و فقط فردای بدتری را وعده می‌دهد. جنبش ملی فلسطین مدت‌هاست که نقطه آغاز بحث‌های سیاسی بوده است اما در نبود هیچ استراتژی قابل‌اجرایی، به‌طور فزاینده‌ای به نقطه پایانی تبدیل شده است. در هر مکالمه‌ای که بر سر یک دهه گذشته یا فراتر از آن با فلسطینیان داشته‌ام، اگر درباره استراتژی ملی سوال کرده‌ام، سوالم را به خودم برگردانده‌اند: پیشنهاد من چیست؟ و من پاسخ خوبی برای آن ندارم.

به‌جای ترسیم یک ساختار دقیق، آنچه منطقی‌تر به‌نظر می‌رسد توسعه و بیان اصول روشن است: هیچ‌کس تشویق و یا مجبور به ترک اراضی خود نمی‌شود، یهودیان و فلسطینیان از حقوق ملی و همچنین حقوق انسانی برخوردارند، هیچ فردی نباید بدون کشور باقی بماند. این اصول نباید شعارهای توخالی باشند بلکه باید در کوتاه‌مدت به‌عنوان سیاست تسکین‌دهنده و حتی هدایت‌کننده عمل کنند. در صورت ادامه روند کنونی، عده‌ای نه‌تنها آینده تاریکی را می‌بینند بلکه احتمالاً اکثریت قابل‌توجهی را در هر دو جامعه اسرائیلی و فلسطینی تشکیل خواهند داد. آنها در بحث‌های سیاسی بین‌المللی سازمان‌دهی نشده و نامرئی هستند. به‌نظر می‌رسد بسیاری از آنها بیشتر با پای خود رای می‌دهند تا با ائتلاف‌های انتخاباتی. در طول یک سال گذشته خشونت و ویرانی بسیار و ظلم فراوانی نسبت به امیدهای ۳۰ سال پیش صورت گرفته. اگر ناامیدی بهترین امید است، پس تنها خبر خوب این است که به‌شدت در حال گسترش است.

بر سر اراضی به‌وجود آمد، فراتر می‌رود. مقامات سازمان ملل عملاً اخراج شده‌اند؛ اسرائیل نزدیک است که با تجربه‌ترین و بزرگترین نهاد سازمان ملل، آنروا را سازمان تروریستی اعلام کند، و خشونت شهرک‌نشینان به‌نظر کمتر فرصت‌طلبانه‌تر و محلی‌تر شده و به‌طور فزاینده‌ای تلاشی استراتژیک برای بیرون راندن فلسطینی‌ها از دوراهی است که برای تشکیلات اشغالگران مهم به‌نظر می‌رسد.

اگر کسی اعتقاد نداشته باشد که اسرائیل و فلسطین به سازش متقابل در سال‌های ۱۹۹۰ نزدیک شدند، اما می‌توان گفت قطعاً یک روند دیپلماتیک فعال، حمایت از توافق صلح در جامعه اسرائیلی و حس گسترده (اگر نه جهانی) از اینکه فلسطینی‌ها یک جامعه ملی بودند که باید به‌طریقی جا و مکان داشته باشند، وجود داشت. تمام این سه عنصر اکنون از بین رفته‌اند و تأثیر جنایات حماس در هفتم اکتبر میخی بر تابوت نبود بلکه برای دفن تابوت چفت و بسط‌شده‌ای بود در اعماق زمین.

### فرسایش اعتماد در فلسطین

در فلسطین موضوع متفاوت است اما شاید در طرف فلسطینی میزان امیدواری کمتر است. دلسردی از «روند صلح» دهه ۱۹۹۰ می‌تواند بیشتر از جامعه اسرائیل باشد، اما خود را در بی‌زاری عمیق از تقریباً تمام ساختارهای موجود نشان می‌دهد. چنانچه در اسرائیل، آنهایی که درباره تاکتیک‌های تند یا پذیرش خشونت صحبت می‌کنند، روزنه‌های بسیاری را می‌توانند پیدا کنند، همانطور که در هفتم اکتبر مشخص بود و در هفته‌های بعد از آن، بسیاری از فلسطینی‌ها یا خشونت حملات را انکار می‌کردند یا به جنایات گذشته که به اسم آنها تمام شده، نادیده می‌گرفتند تا کنشگران فلسطینی و توجه بین‌المللی را جلب کنند. اما فساد نهادها و سرخوردگی از دیپلماسی که چنین روزنه‌هایی را باقی گذاشت دهه‌ها در جریان بود.

رهبران جنبش آزادی‌بخش فلسطین که ۳۰ سال پیش برای تشکیل دولت موقت خودگردان فلسطین مذاکره کردند، این سازمان را به‌عنوان هسته کشور فلسطین معرفی کردند. در هیچ جایی از پیمان اسلو و نه در مواضع اسرائیل و آمریکا (که بر مذاکرات نظارت داشت) وجود ندارد که چنین ادعایی را تایید کند و حتی وعده پیمان اسلو از گسترش اراضی

نتانیاها، نخست‌وزیر دشمنان اسرائیل را «عمالیک» (نام قومی در تورات که باید نابود شوند و تمام خاطرانشان باید پاک شود) خطاب می‌کند که از یک دهه پیش از تشدید تنش‌ها آغاز شد. فقط زمانی که مجموعه‌ای از چنین اظهارات رهبران اسرائیل در شکایت آفریقای جنوبی در دیوان بین‌المللی دادگستری ذکر شد، برخی از مقامات توضیح دادند که نخست‌وزیر از عبارات خشونت‌بار استفاده نکرده، غفلتی که یکی از وزرای اسرائیلی قدرتمند به‌سرعت آن را اصلاح کرد. ناتان براون، استاد علوم سیاسی و امور بین‌الملل در دانشگاه جورج واشنگتن در اندیشکده کارنگی می‌نویسد: «یک سال پیش و قبل از حملات هفتم اکتبر، درباره رهبران اسرائیلی نوشتیم که حرف‌های کدگذاری شده را به صدای بلندی تبدیل کردند. از آن زمان، حتی افرادی که نفوذ کمتری داشتند واقعتاً مورد نظر خود مبنی بر تمایلات نسل‌کشی حماس (ظاهراً بسیاری از فلسطینی‌ها را خوشحال و عده‌ای را ناراحت کرده) و خود را کاملاً در هفتم اکتبر نشان داده، منعکس کردند.» افراط‌گرایان از بکارگیری از سلاح‌های هسته‌ای در غزه صحبت کرده‌اند، اظهاراتی ضدانسانی که به‌سرعت به‌مرکز گفت‌مان عمومی حتی از سوی مقامات ارشد تبدیل شد.

در کوتاه‌مدت، هر دلیلی برای این باور وجود دارد که اظهارات افراط‌گرایانه و فتنه‌جویانه پوششی را به‌وجود می‌آورد که جنایات را در شرایط دیگری امکان‌پذیر می‌کند. اما حتی اگر توجه بین‌المللی گاهی (اما نه همیشه) چنین اظهاراتی را به شکل‌های ملایم‌تری برمی‌گرداند، اثر طولانی‌مدتی وجود دارد که نشان می‌دهد استدلال برای امتیاز دادن به جامعه ملی رقیب به‌نظر ساده‌لوحانه و حتی خیانت‌کارانه است.

چهارم، تغییر نه‌تنها در سطح اظهارات علنی، نه صرفاً در طرف راست بلکه در تفکر استراتژیک در میان رهبران، حتی در میان تندروها هم اتفاق افتاده است. آنها دیگر علناً از مشخصه‌های وضعیت موجود صحبت نمی‌کنند حتی زمانی که هیچ گزینه‌ای برای ارائه ندارند. متفکران عاقل در داخل کشور و حتی خارج از آن از شکست بازدارندگی صحبت می‌کنند (و بنابراین نیاز به اقدامی فراتر از ترساندن دشمن برای نابودی آنها القا می‌کنند).

و در آخر، مجموعه‌ای از تغییرات در اداره فلسطینی‌ها از سوی اسرائیل به‌وجود آمده که از ساخت و ساز شهرک‌ها و زیرساخت‌های فیزیکی که برای جلوگیری از هرگونه مصالحه

# کمی‌تر شده است

## باید هر دو طرف به تلاش‌های دیپلماتیک از بین رفته است

